

## جام شوش، جامی پر از رمز و راز

فرانک کبیری\*<sup>۱</sup>، بهاره براتی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۹/۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۲/۳)

### چکیده

یکی از راه‌های دستیابی به فرهنگ و دانش بشری، مطالعه‌ی هنر تمدن‌های گوناگون است. در شناخت تمدن ایران نیز، شوش از اهمیت والایی برخوردار است و سفالینه‌های منقوش آن، بر تارک موزه‌های جهان می‌درخشند. این مقاله سعی دارد به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و تاریخی، علل توجه جهانیان به این سفالینه‌ها، به‌ویژه جام شوش را بررسی کند. اولین موردی که احساس لذت را در بیننده ایجاد می‌کند، زیبایی ظاهری است که از طریق: چشم‌نوازی نقوش و هماهنگی آنها با یکدیگر و نیز با شکل ظرف، وجود تناسب منطقی، تقسیم‌بندی‌های دقیق، رعایت سواد و بیاض و طراحی منحصر به فرد، ایجاد می‌شود. این مساله با محاسبه‌ی اندازه‌های اشیاء و به‌دست آوردن تناسب، پیگیری؛ و ملاحظه‌شد که اعداد به‌دست آمده به عدد طلایی نزدیک هستند. عامل دیگر، داشتن بار معنایی هر نقش است که به عنوان نمادی خاص به کار رفته و ضمن ارتباط با دیگر نقوش، در پی دستیابی به هدفی خاص با تکیه بر باورها، اعتقادات و تمایلات انسان پیشین می‌باشد. دلایل مطرح شده برای برتری شاهکار سفالین جهان، با بررسی تطبیقی این نمونه، با سفالینه‌های تمدن‌های هم‌عصر با تمدن ایران و سفالینه‌های مناطق هم‌دوره با منطقه‌ی شوش به اثبات می‌رسد و نبوغ ایرانیان را در خلق آثار هنری و بیان رمزگونه‌ی خواسته‌هایشان به نمایش می‌گذارد.

### واژه‌های کلیدی

جام شوش، تناسب، سفال، نقوش، بز کوهی.

## مقدمه

است و شوش به عنوان "اولین خاستگاه سفال پیش از تاریخ ایران" (همان، ۲۲) از قدمت زیادی برخوردار است، بررسی در این زمینه ضروری می‌نماید. در میان آثار سفالی شوش، آبخوری‌ها از اهمیت والایی برخوردارند و "از میان همه‌ی اشیاء سفالی منقوش خاور نزدیک باستان، [ساغر بزرگی که نقش بزکوهی با شاخ‌های هلالی شکل اغراق‌آمیز دارد؛] موفق‌ترین آنهاست" (همان‌جا) و در جهان به شاخصی از سفال شوش تبدیل شده است.

در این مقاله کوشش شده پس از آشنایی با سفال شوش و آبخوری‌های ساخته شده در این منطقه، تناسب آنها مورد بررسی قرار گیرند. سپس ویژگی‌های شیوه‌ی طراحی این آبخوری‌ها در مقایسه با سایر تمدن‌های هم‌عصر شوش بیان شده است. پس از آن نقوش موجود بر روی آبخوری‌های شوش که شامل نقوش جانوری، گیاهی و هندسی می‌باشد؛ شناسایی و مورد تحلیل واقع شده‌اند. در همین قسمت چون تاکید بر نقش حیوانی بز روی آبخوری شوش بوده است؛ این نقش به‌طور تطبیقی با نقش این حیوان در سفالینه‌های هم‌دوره با سفالینه‌های شوش در ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. در پایان نیز پس از بررسی نظام‌های صوری، عقلانی و زیبایی‌شناختی، نتیجه‌ی حاصل از بررسی‌ها ارائه می‌گردد.

پس از کشف خاصیت تبدیل شدن گل به سفال؛ به لحاظ خاصیت شکل‌پذیری، دوام منطقی، در دسترس بودن ماده‌ی اولیه و همچنین سهولت خلق آثار و پخت آنها؛ این ماده به سرعت جایگزین مواد دیگری چون سنگ، پوست و ... شد که در تولید ابزار و آثار به‌کار می‌رفت. قدمت سفالگری در ایران بسیار زیاد است و به "دوران نوسنگی" (پرادا، ۱۳۸۳، ۱۱) می‌رسد. پس از موفقیت در ساخت سفال، زیباسازی آنها مدنظر قرار گرفت. این کار از طریق فرم، نقش و رنگ صورت پذیرفت. هنرمند سفالگر با فشار دادن و خش انداختن روی گل و یا به‌وسیله‌ی نقاشی کردن با رنگ‌های طبیعی، توانست بر روی آثار نقش ایجاد کند. گاهی نیز برای به‌دست آوردن رنگ‌های مختلف بدنه، تغییر در زمان پخت ایجاد کرد یا خاک‌های مختلف را به‌کار گرفت. روند زیباسازی آثار و به‌کارگیری نقوش تا جایی پیش رفت که علاوه بر بازنمایی اشیاء و طبیعت پیرامون هنرمند، به محملی برای بیان اندیشه‌های وی نیز تبدیل شد. به‌گونه‌ای که باعث تمایز بین سبک‌های گوناگون مناطق سفالگری تمدن ایران شد. با توجه به موارد مذکور، بدیهی به‌نظر می‌رسد که برای مدتی نزدیک به دو هزار سال، سفالگری و منقوش کردن آثار، یکی از فعالیت‌های اصلی هنر مردم ایران شود. بنابراین از آنجایی که ایران از پیشگامان سفالگری در جهان

## سفال شوش

"چوپانی و روستایی‌اند که نظر به سوی دشت خوزستان و کوه‌های ورای آن معطوف می‌داشته‌اند. پرنندگان آبی دراز گردن که تا زانو در شوره آب نه‌ری باریک ایستاده، و پرنده‌گانی هم در حال پرواز، نقش حاشیه‌ای ظریف بر جام سفالین بلند بالایی را به‌وجود می‌آورند و نیز سگ‌های تازی با قلاده و تسمه و بزهای کوهی با شاخ‌های بیرون رسته تا حد دو نیم‌دایره تمام یا دو حلزونی فراخ و هیبت‌انگیز، موضع‌گرفته روی تخته سنگ بر آهنگ مقابله با هر که گام پیش‌گذارند" (فریه، ۱۳۷۴، ۹).

## ویژگی‌های کلی آبخوری‌های شوش

ویژگی کلی سفال‌های این دوره بدین شرح است: ۱- از نظر هنری بسیار در خور توجه است. ۲- از خاک رس نرم و خالص تشکیل شده است. ۳- دارای اشکالی منظم است. ۴- بدنه‌های صیقلی، استفاده از چرخ را اثبات می‌کند. ۵- نقوش قبل از پخت روی گل رس خشک و بدون لعابه ترسیم شده‌اند. ۶- رنگ نقوش

شوش با قدمت هفت هزار ساله‌اش، گهواره‌ی قسمت مهمی از تاریخ فرهنگ و هنر ایران است. "کمی قبل از هزاره‌ی چهارم دگرگونی مهمی در این منطقه روی داد. شوش که در آن موقع در حاشیه‌ی رود کوچکی به نام شاوور بنا شده بود، با حفظ سنت‌های کهن تمدن نوسنگی که به تدریج تغییر یافته بود حاکم‌نشین ناحیه گردید. در نتیجه‌ی این تحول مردم شوش ثروتمند شدند و به برپاکردن معابد و توسعه‌ی شهر خود پرداختند. در این دوره مزیت ظروف سفالین، تزئین نقش‌دار آنها بوده است" (رفیعی، ۱۳۷۸، ۱۱۹-۱۲۰).

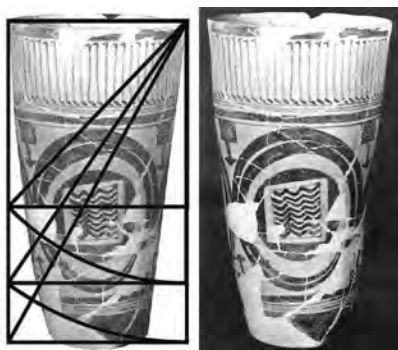
سفال‌های به‌دست آمده از شوش به دو بخش متفاوت قابل تقسیم‌اند؛ سفالینه‌هایی که به شوش ۱ تعلق دارند و سفالینه‌های مربوط به شوش ۲. "سفالینه‌های شوش ۱ را می‌توان از لحاظ فرم به ۴ گروه تقسیم نمود: ۱- کاسه یا قند ۲- آبخوری ۳- دیگ یا دیزی ۴- ظروف کروی" (همان)، که هرکدام از انواع ظروف فوق شاهکاری است در نوع خود بی‌نظیر و جام مورد بحث، در این دسته جای می‌گیرد. نگاره‌های عالی‌ترین سفالینه‌ها از نظر فریه

فیزیکی فضایی همه مطلق هستند، لیکن انگاره‌ی آنها و تصور اندازه‌ها و معیارهایشان نسبی می‌باشند" (آیت‌اللهی، ۱۳۸۸، ۱۸۱). "بیش از دو هزار سال است که جستارهایی در جهت برقرار ساختن قوانین "تناسب کامل" به عمل آمده است، قوانینی که بتوانند اندازه‌ها و فاصله‌های خاطرنواز را در آثار هنری تضمین کنند. ماندگارترین آنها همان است که "تناسب طلایی" یا "مقطع طلایی" عنوان یافته است. این تناسب، خطی مستقیم یا شکل چهارگوش منتظمی را به دو بخش تقسیم می‌کند، بر این اساس که نسبت بخش کوچکتر به بخش بزرگتر، همانند نسبت بخش بزرگتر به تمامی آن خط یا آن چهارگوش باشد" (فلدمن، ۱۳۷۸، ۲۸۳). تناسب طلایی از زمان اعتلای هنر یونان باستان مد نظر بوده است، حال آن‌که در آبخوری‌های شوش نیز می‌توان به جستجوی این نسبت‌ها پرداخت.

در اینجا طرح‌های اصلی را همراه با تناسبات ترسیم شده ملاحظه می‌فرمایید.



تصویر ۱- جام سفالین بلند، از خمیر نخودی رنگ، با کلابه نخودی، دارای نقش مشهور بز کوهی با شاخ‌های ساده شده، ۳۵۰۰ ق.م. ارتفاع: ۲۴ سانتی متر، قطر دهانه: ۱۲/۵ سانتی متر، نسبت: ۱/۷۹۲. موزه لوور



تصویر ۲- لیوان، سفال منقوش شوش، دوره‌ی اول، ۳۵۰۰ ق.م. ارتفاع: ۲۴ سانتی متر، قطر دهانه: ۱۳/۷۰ سانتی متر، نسبت: ۱/۷۵۱. موزه‌ی علمی بافالو. ماخذ: (پوپ، ۱۳۸۰، ۲۰)

سیاه مایل به سبز روی زمینه‌ی سفید مایل به زرد است. ۷- نقوش هندسی شامل خطوط شکسته، منحنی، موجدار، جناقی، صلیب شکسته [چلیپا]، مثلث، لوزی و دایره است. ۸- نقش حیوانات اغلب از مارها، ماهی‌ها، لک‌لک‌ها، مرغ‌های آبی‌گردن بلند و با پای‌های بلند، بز کوهی و سگ‌ها تشکیل شده است صنعتگران در ساده کردن اشکال حیوانات بسیار هوشمندانه عمل کرده‌اند، به طوری که خطوط نقاشی را تنها با علامات مشخص، با حذف قسمت‌های مخصوصی از اندام، ترسیم کرده‌اند. در هیچ منطقه‌ای از ایران نقش حیوانات با این مهارت ترسیم نشده است. ۹- نقوش گیاهی ساده شده و با اسلوب خاص ترسیم شده است" (رفیعی، ۱۳۷۷، ۱۲۴).

تاکید این مقاله بیشتر بر روی آن نمونه‌ای است که به عنوان شاخص سفال شوش معرفی می‌شود و "ساغری است بزرگ با نقش بزهای کوهی (تصویر ۴). از میان همه‌ی اشیاء سفالی منقوش خاور نزدیک باستان، سفالی که در اینجا [مورد بررسی واقع می‌شود] و در موزه‌ی لوور جای دارد، موفق‌ترین آنها است. طرح این سفال شامل سه کتیبه است. نقش اصلی در هر یک از آنها یک بز کوهی است. بدن این جانور به وسیله‌ی دو مثلث مربوط به هم با اضلاع منحنی تشکیل شده است. انحنای پشت جانور ادامه‌ی حرکت زیبای منحنی شاخ‌ها است که یک شیء غیر قابل تشخیص را در برگرفته است. این شیء با ردیف مرکزی جناق‌های القاکننده‌ی یک شاخه‌ی گیاه و در اطراف، یا قسمت‌های هاشور متقاطع نشان داده شده است. شاید این نقش یک موتیف پرکننده برای یک جای خالی باشد و در عین حال، ممکن است طرح گیاهان و مرغزار خلاصه شده را نشان بدهد. کتیبه‌ای که بز را در بر دارد به طرف ته ظرف کمی باریک‌تر می‌شود و به این ترتیب شکل ظرف را تاکید می‌کند. تاکید در دایره‌ی محیط ساغر به وسیله‌ی یک ردیف از سگ‌های شبیه تازی با بدن‌های کشیده که در حال دویدن هستند و نیز با نوارهای تیره‌ای که ردیف حیوانات را محدود می‌کنند، ارایه شده است. قسمت بالای ظرف از پرندگانی تشکیل یافته است که گردن‌های بلند و کشیده‌ای دارند. به عکس ته ظرف که در آن برای القاء استحکام نوار کلفتی از رنگ تیره به کار رفته است، این پرندگان طرح بسیار مسبکی را می‌آفرینند. شرح کوتاه ما تنها می‌تواند عوامل طرح را بشمارد، اما به اندازه‌ی کافی قادر نیست احساس شگرفی را که در این ظرف برای تعادل یک یک اجزا به وسیله‌ی تزیین بیان شده است با کلمات بیان کند." (پرادا، ۱۳۸۳، ۲۲)

## بررسی تناسبات در آبخوری‌های بدست آمده از شوش

تناسب، بر روابط اندازه‌های اجزاء با یکدیگر و با کل اثر دلالت می‌کند. اندازه یا مقیاس در ذات خود هیچ‌گونه معنای تناسبی ندارد، بلکه هر شکل یا هر قسمت در ارتباط با اشکال یا قسمت‌های دیگر باید در نظر گرفته شود تا تناسب خود را آشکار کند. "اندازه‌زنی و اندازه‌گیری یکی از راه‌های شناخت و درک اشیاست؛ زیرا ابعاد







تصویر ۴- لیوان، سفال منقوش شوش، دوره ی اول ۳۵۰۰ ق.م. ارتفاع: ۲۹ سانتی متر، قطر دهانه: ۱۶/۰۴ سانتی متر، نسبت: ۱/۷. موزه لوور



تصویر ۳- لیوان، سفال منقوش شوش، دوره ی اول، ۳۵۰۰ ق.م. ارتفاع: ۲۹/۵ سانتی متر، قطر دهانه: ۱۶/۳۸ سانتی متر، نسبت: ۱/۸۰. موزه لوور

جدول ۱- بررسی تناسبات در آبخوری های شوش.

طرح	نسبت ارتفاع قسمت مرکزی به قطر دهانه	ارتفاع نقش اصلی (cm)	اندازه ها		شماره
			ارتفاع (cm)	قطر (cm)	
	۱/۹۲	۱۲/۶۰	۱۲/۵	۲۴	۱
	۱/۷۵۱	۱۲/۵		۲۴	۴
	۱/۸	۲۲/۴	۱۶/۳۸	۲۹/۵	۳
	۱/۷	۱۲/۲۳	۱۶/۰۴	۲۹	۴



## بررسی نقوش به کار رفته در آبخوری‌های شوش

### ۲- بررسی نقوش موجود بر روی آبخوری‌های شوش

بررسی نقوش موجود بر روی آبخوری‌های شوش، که یکی از مجموعه آثار این منطقه هستند و جام شوش که زیباترین آنهاست، از اهمیت بنیادین برخوردار می‌باشد. در این راستا پرداختن به این نقوش اعم از: الف) نقوش هندسی ب) نقوش گیاهی و ج) نقوش جانوری که علاوه بر نمایش نبوغ و هنر ایرانیان، بیانگر تفکرات و باورهای آنان نیز می‌باشند، ضروری می‌نماید.

#### الف) نقوش هندسی

به جز خطوط افقی، عمودی و متقاطع که به صورت ساده و موج‌دار روی اغلب ظروف عهد باستان دیده می‌شود و هر کدام معانی خاصی دارند؛ "هنرمندان به سبب تجربه‌ای که به مرور ایام به دست آورده بودند با درهم آمیختن خطوط به ایجاد اشکال هندسی بسیار زیبایی چون مثلث، مربع و دایره موفق شده‌اند" (برزین، ۱۳۵۶). در سفالینه‌ی مورد نظر در این نوشته نقش دایره و مربع در میان شاخ‌های بز که خود به فرم دایره در آمده است بسیار زیبا و پر معنا آرایه شده است. نقش دایره و مربع هر کدام به تنهایی معانی عمیقی را در بردارند اما ترکیب بی‌نهایت زیبای آنها بی‌گمان پر رمز و رازتر می‌باشد (تصاویر ۱، ۲ و ۴).

### ۱- بررسی ویژگی‌های شیوه‌ی طراحی

نوع نقوش به کار رفته در آبخوری‌های شوش در مقایسه با سفال دیگر تمدن‌های هم‌دوره‌ی خویش (۳۰۰۰-۴۵۰۰ پیش از میلاد) نیز قابل توجه است. همان‌گونه که در تصویر ۵، دیده می‌شود نقوش به کار رفته در سفال مصر در بین نقوش زیگزاگی بالا و پایین ظرف محصور شده‌اند. البته این سفالینه ممکن است از لحاظ زمانی قبل از سفالینه‌های شوش باشد، ولی در سفالی دیگر از مصر که در تصویر ۶ پیداست علیرغم اینکه نقوش حیوانی تجریدی‌تر شده و نقوش هندسی نیز سطح بیشتری از سفال را در بر می‌گیرند، اما باز هم از تقسیمات منظم آبخوری‌های شوش که در تصویر ۴ دیده می‌شود خبری نیست. همین مساله را می‌توان در سفال‌های هندی نیز مشاهده نمود. خصوصاً همان‌طور که در تصویر ۷ دیده می‌شود، شیوه‌ی طراحی نقوش در سفالینه‌های شوش بسیار متفاوت است. در آبخوری شوش، هماهنگی شکل حیوانات با فرم لیوان بر زیبایی و ارزش بصری ظرف افزوده است.



تصویر ۷- سفال منقوش هند (موهنجودارو)،  
هزاره‌ی سوم ق.م.  
ماخذ: (حاتم، ۱۳۸۵، ۱۰۹)



تصویر ۶: سفال مصر (از Naqada)  
۳۳۰۰-۳۰۰۰ ق.م.  
ماخذ: (www.egyptarchive.co.uk)



تصویر ۵- سفال مصر، ۴۰۰۰-۴۵۰۰ ق.م.  
تزیینات هندسی و جانوری شامل: نقش گوسفندان  
صحرائی و بزغاله‌های آفریقایی.  
ارتفاع: ۲۵/۳ سانتی متر، موزه اشمولین.  
ماخذ: (pottier, 2004/2, 285)

جدول ۲- بررسی تطبیقی سفال شوش با برخی سفالینه‌های هم عصر خود در سایر تمدن‌ها.

شماره تصویر	مکان ساخت	ارتفاع (cm)	نقش	زمان ساخت	محل نگهداری
۴	ایران (شوش)	۲۹	هندسی، جانوری (بز، بزنده، تازی)	۳۵۰۰ ق.م	موزه لوور
۵	مصر	۲۵/۳	هندسی، جانوری (گوسفندان صحرائی و بزغاله‌های آفریقایی)	۴۵۰۰-۳۰۰۰ ق.م	موزه اشمولین
۶	مصر (ناکادا)	۲۹	هندسی، جانوری، انسانی	۳۵۰۰-۳۰۰۰ ق.م	-
۸	هند (موهنجودارو)	-	جانوری	۳۰۰۰ ق.م	-

**الف-۱) مربع یا چهارگوش**

این فرم که در سفالینه‌های شوش، گاه به صورت مربع و گاه به صورت مستطیل به تصویر کشیده می‌شود؛ زمانی امواج آب و یا خطوط منکسر نمادین زمین مزروعی، و زمانی سنبله‌ی گندم را محصور می‌کند. "شاید این فرم کنایه‌ای از چهار گوشه‌ی عالم و یا اشاره‌ای به چهار جهت اصلی باشد. مربع با عدد چهار در ارتباط است که این عدد از تقدس و اهمیت دینی-کیهانی برخوردار است" (کوپر، ۱۳۷۹، ۳۴۴).

**الف-۲) دایره**

کوپر در مورد دایره چنین می‌نویسد: "نمادی جهانی و مقدس، و همواره به عنوان نشانگر مرکزیت نشان داده شده است. تمامیت و تقارن، کمال اولیه و گردی طبیعی‌ترین شکل محسوب می‌شود. از این رو مقدس است" (همان، ۱۴۶). شکل دایره از نظر یونگ، "نمودار یکی از مهم‌ترین جهات زندگی یعنی وحدت و کلیت و شکفتگی و کمال است. حلقه، گوی (کره)، گردونه و دایره نماد نهادهای است و بیانگر تمامیت با تمام جنبه‌ها یعنی از جمله رابطه‌ی میان انسان و طبیعت، خواه این نماد در پرستش خورشید نزد مردمان بدوی باشد یا در اسطوره و در میان ادیان باشد" (یونگ، ۱۳۵۶، ۲۹۲). در آبخوری‌های شوش نوعی حرکت و وحدت توسط دایره و منحنی‌ها برقرار است. در هنر ایران دایره به صورت حلقه نیز نمود پیدا می‌کند و همان خصوصیات نمادگرایی دایره را دارا می‌باشد. "حلقه در ایران باستان تجلی فر یا فرّه است. فر یکی از نمادهای تعالی است و آن به واسطه‌ی دایره‌ای است که مرکز ثقل آن را در برگرفته است که نمایانگر تمامیت، وحدت و ابدیت است (رحیمی رهبین، ۱۳۸۳، ۶۱ و ۶۲).

**الف-۳) نقش هندسی محصور در شاخ‌های بز**

"انسان عهد باستان نقش دایره را نشان و سمبلی برای تجلی صفات و گوهر عالم و تمامیت و کمال و ازلیت آن برمی‌گزیند." (بلخاری، ۱۳۸۳) و فرم چهارگوش خبر از محدودیت و حصر عالم در عناصر چهارگانه می‌دهد. در این دایره خوشه‌ای گندم قرار گرفته تا بار دیگر هنرمند صنعتگر شوش سفالینه را به محملی برای بیان مهم‌ترین دغدغه‌ی ذهنی‌اش (زایش و رویش و برکت) تبدیل سازد. وی این بار آسمان را در تقابل زمین قرار می‌دهد. "زمین از نظر نمادین مقابل آسمان است و به عنوان اصل منفعل در برابر اصل فعال، وجه مؤنث در برابر وجه مذکر هستی، مانند تاریکی در مقابل نور... قرار می‌گیرد" (شاکری‌راد، ۱۳۸۳، ۱۴).

در این نقش، چهارگوش تبدیل به چهاربست برای قرارگیری دایره می‌گردد و همچون معبد، آنچه را که مقدس است در بر می‌گیرد و شاخ بز (ماه) وظیفه‌ی مادرانه‌ی خویش را به کمال می‌رساند و آن را در آغوش گرفته و حمایت می‌کند.

**ب) نقوش گیاهی**

نقش خوشه‌ی گندم بارها در سفالینه‌های عهد باستان دیده شده، که نشان از قداست و اهمیت این گیاه در زندگی بشر دارد. حتی گندم و آنچه با این نعمت الهی تهیه می‌شود - از جمله نان- از حرمت خاصی برخوردار است. در سفالینه جام شوش این نقش یک بار درون فرم دایره که خود بوسیله شاخ‌های بز محصور شده است؛ قرار دارد و بار دیگر نقش دم را برای بز ایفا می‌کند. غلامعلی حاتم ارتباط بز کوهی و این گیاه را چنین مطرح می‌کند: "بز کوهی نیاز به گیاه دارد و کوه [و زمین] منبع رستنی‌ها و ماه نگهدار آن است هر جا که بز کوهی با آن چابکی خاص خود دیده شود نشان از آب و گیاه می‌دهد. بز کوهی مظهر فراوانی و رب‌النوع رویدنی‌ها و در شاخ آن قدرت جادویی پنهان بود" (حاتم، ۱۳۷۴، ۳۶۵).

**ج) نقوش جانوری**

در بررسی نقوش سفالینه‌های شوش آنچه بیش از همه نظر را به سوی خود جلب می‌کند، نقش حیواناتی است که در ردیف‌هایی تکرار شده‌اند. در مورد این حیوانات داستان‌های اساطیری زیادی وجود دارد. یونگ علت این موضوع را، اهمیت فراوان آنها می‌داند. وی در کتاب انسان و سمبل‌هایش می‌نویسد: "تعداد زیادی از اساطیر به حیوان اولیه مربوطند که باید به خاطر باروری و حتی خلقت فدا شوند... در مذاهب و هنرهای مذهبی تقریباً تمام نژادها به خدایان عالی مقام نسبت داده شده‌اند؛ یا خدایان به صورت حیوانات مجسم گشته‌اند. بابلیان قدیم خدایان خود را در آسمان‌ها به صورت قوچ، گاو نر، خرچنگ، شیر، عقاب، ماهی و علائم منطقه البروج مجسم کردند" (یونگ، ۱۳۵۲، ۲۷۵).

با توجه به آنچه گفته شد اهم دلایل به تصویر کشیدن نقوش حیوانات بر روی سفالینه‌های دوره‌ی باستان را باید وابسته به عوامل مذهبی و آیینی دانست که با توجه به این موضوع، بعضی از حیوانات از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند. به عنوان مثال نقش بز و پرندگان بارها در ظروف سفالین عهد باستان به چشم می‌خورد. این نقوش قبل از سفال، صخره‌ها و سنگ‌ها را زینت بخشیده‌اند. جانوری که در جام شوش از اهمیت بیشتری برخوردار است، "بز" می‌باشد.

آرتور پوپ بز کوهی و جانوران شاخ‌دار را دارای نیروهای جاودانه‌ای می‌داند و می‌گوید به احتمال قوی، در آغاز، میان شاخ‌های خمیده و هلال ماه ارتباطی متصور بوده است (پوپ، ۱۳۸۰، ۱۵).

سیف‌الله کامبخش فرد نیز این مساله را چنین بیان می‌کند: جانوران شاخ‌دار مانند بز کوهی و گوزن نیز نماد ماه و زمین بودند... (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۵۱). شاید بتوان گفت، همان‌گونه که نخل، سمبل بین‌النهرین - همسایه شوش - است؛ بز نیز شاید سمبل و نشانه‌ی سرزمین ایران باشد.

غلامعلی حاتم شاخ قوچ را نیز مظهر باروری و حاصلخیزی معرفی می‌کند و در ادامه می‌نویسد "... حاصلخیزی یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر یعنی نیاز به آب و باران و حاصلخیزی زمین و رویش گیاهان تا بدانجاست که محتوای اصلی نقوش

متفاوت می‌باشند. پرهیز از نمایش طبیعت و واقعیت، جهت نیل به معانی خاص، هر تمدنی را به سوی شگردهای تصویری خاصی رهنمون می‌سازد.

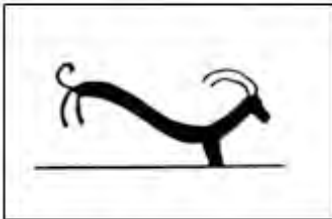
پرنندگان دسته‌ی مهم دیگر جانوران نقش‌شده بر روی جام شوش هستند.



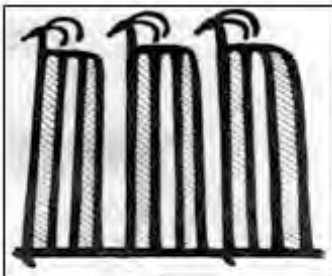
تصویر ۹- جام سفالین از خمیر قرمز رنگ دارای نقوش هندسی و بزهای کوهی ساده‌شده به رنگ سیاه روی گلابه‌ی قرمز. ری (چشمه‌علی) ۳۳۰۰ ق.م. - ۳۸۰۰ ق.م.، موزه‌ی ملی ایران. ماخذ: (رفیعی، ۱۳۷۷، ۱۹۲)



تصویر ۱۰- نقش بز کوهی ساده‌شده با گردن‌های دراز به رنگ سیاه روی زمینه‌ی نخودی مایل به سبز، تپه حصار، ۳۵۰۰ ق.م.، موزه‌ی ملی ایران. ماخذ: (همان، ۱۹۵)



تصویر ۱۱- نقش بز کوهی از تپه گیان، متعلق به نیمه اول هزاره سوم ق.م. ماخذ: (پرهام، ۱۳۷۱، ۳۶۱)



تصویر ۱۲- نقش بز با دست و پاهای کشیده، اسماعیل آباد، هزاره چهارم ق.م. ماخذ: (حاتم، ۱۳۸۱، ۱۴۴)



تصویر ۱۳- نقش بز با شاخ‌های موج بر ظرف سفالین، تخت جمشید، هزاره چهارم ق.م. ماخذ: (همان، ۱۴۸)



تصویر ۱۴- نقش بز کوهی و چلیپا بر ظرف سفالین شوش، نیمه دوم هزاره چهارم ق.م. ماخذ: (همان، ۳۲)

سفالینه‌های شوش را برکت تشکیل می‌دهد" (حاتم، ۱۳۷۴، ۳۶۵). شاید در دوران نخستین اسلامی که نقش حیوانات و موجودات خیالی در فرهنگ تصویری ایران کم‌رنگ‌تر می‌گردد، کلمه‌ی برکت که معمولاً به خط کوفی نگاشته می‌شود، جایگزین مناسبی برای این معنا بوده باشد. اهمیت برکت را، حتی در ظروف دیگر تمدن‌هایی چون مارلیک، حسنلو و ... نیز می‌توان مشاهده نمود. وجود حیواناتی همچون گاو، سمبل و نشانه‌ای برای این موضوع در زندگی بشر در تمام دوره‌های حیاتش می‌باشند.

علت استفاده از حیواناتی چون: بز کوهی، پرنندگان، شیر، گاو و ... متناسب با نیاز انسان در دوره‌ی باستان بود. چرا که او متوجه شده بود، اگر سیارات طوری در آسمان قرار گیرند که مجموعه‌ای از آنها شبیه به یکی از حیوانات باشد، موقعیت جوی خاصی پدید خواهد آمد. ریزش باران در فصول خاصی اتفاق می‌افتد که صورت فلکی بز و پرنندگان در آسمان دیده می‌شود. همان چیزی که در جام شوش یکجا دیده می‌شود. کواکب جدی که خواجه نصیرالدین طوسی به توضیح آن می‌پردازد شکل بز نشسته‌ای دارد که از لحاظ شرایط جوی، هم‌زمان با شروع فصل باران می‌باشد (طوسی، ۱۳۷۴، ۱۸۷).

درباره نقش ماه نیز پیشتر اشاره شد که با شاخ‌های هلالی بز در ارتباط است و خود در جزر و مد دریاها و ریزش باران موثر است. اخوان صفا در مورد ماه می‌گوید: "بعد از خورشید اصل دوم جهانی است، پس از شمس پیش از همه‌ی سیارات در حوادث کنونی و فساد موثر است. خصوصاً در رسیدن میوه‌ها و رشد و نمو نباتاتی که میوه دارند و بوجود آمدن قارچ و تولید بعضی از مواد معدنی مانند سنگ نمک و تکرین و رشد و نمو بعضی حیوانات مانند طیور. وی همچنین معتقد است که عمر حیوانات در این عالم به منازل قمر بستگی دارد" (نصر، ۱۳۷۷، ۱۳۵). بی‌گمان نقوش هندسی به کار رفته در جام بی‌ارتباط با این مضامین نیستند.

در این قسمت مقایسه‌ای تصویری نیز بین نقش بز در سفالینه‌های ایرانی هم عصر سفال شوش صورت پذیرفته است.



تصویر ۸- نقش روی سنگ نگاره‌ها به عنوان الگو برای سفالینه‌ها بوده است. کوه‌های سرکوبه، خمین، هزاره پنجم ق.م. ماخذ: (www.persianpet.org)

نباید فراموش کرد که هر قوم باستانی، بز را مظهر یکی از عوامل طبیعی سودبخش می‌دانسته است. مثلاً در لرستان؛ بز، حیوان خورشید و وابسته به خورشید و گاهی نیز مظهري از فرشته‌ی باران بود. زیرا از زمان‌های کهن، ماه با باران، و خورشید با خشکی و گرما رابطه داشته است (حاتم، ۱۳۷۴، ۳۶۴). بنا بر تفاوت در کارکردها، نحوه‌ی به تصویر کشیدن نقوش نیز متفاوت است. همان‌طور که در تصویر مشخص است؛ نقش بز در مناطق تپه حصار و ری، با سفال شوش که تقریباً در یک محدوده‌ی زمانی قرار دارند، از نظر طراحی

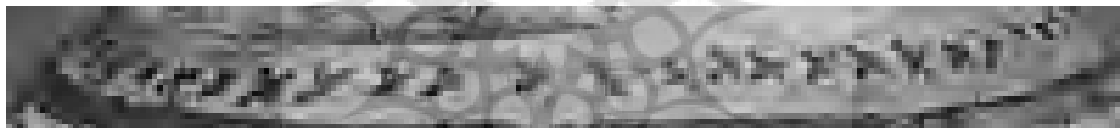
(پرهام، ۱۳۷۱، ۵). در مورد نقش لکک‌ها نیز باید گفت: "گرد آمدن همه این نقش‌های رمزی باران، و خصوصاً صف بی‌پایان درناها و لکک‌ها [که گردن آنها چنان تا بی‌نهایت امتداد یافته که به راستی سر بر آسمان می‌سایند و سر و گردن آنها چنان ساده شده که به نگاه نخستین نمی‌توان سر و گردن پرنده را تشخیص داد و نخستین القاء، همان رگبار متصل و مداوم باران است و دیگر هیچ]، این ظرف سفالین را سندی کامل و بی‌همتا ساخته است از باورها و آیین‌های دینی-جادویی، که تحقق و به‌جا آوردن آنها غایت هنر بی‌همتای سفالگران ایران پیش از تاریخ بوده است" (همان، ۱۳۷۱، ۷ و ۸).

در اینجا نیز نمونه‌های تصویری از نقش پرنده در سفالینه‌های هم‌عصر با سفال شوش در ایران را به‌نظاره می‌نشینیم.

جلوه‌های پرنده در هنر ایران باستان بار دیگر خیر از ارتباط عمیق هنرمندان با طبیعت می‌دهد. گیرشمن کهن‌ترین نقوش پرنندگان بر روی سفالینه‌های ایران باستان را متعلق به نخستین سده‌های هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد می‌داند (گیرشمن، ۱۳۸۲، ۵). بررسی علل نقش پرنده در سفالینه‌های شوش به‌طور عام و آبخوری‌های آن به‌طور خاص را می‌توان به دو موضوع عمده محدود نمود: نخست رابطه‌ی پرنندگان با آب و به‌دنبال آن برکت و دوم رمزآمیز بودن آسمان به‌عنوان جایگاه خدایان و به‌دنبال آن آرزوی عروج و تفکر پرواز. از همین‌رو پرنده بیش از پیش نزد مردم عهد باستان مقدس می‌گردد. "تسلسل نقش پرنده می‌تواند نشانه‌دعا و حاجت‌خواهی برای آمدن باران باشد، چون تکرار یک کلام یا یک تصویر یا یک آوا، از زمان‌های دور، از ارکان اصلی جادو و مناسک طلب حاجت در قالب سحر نمایشی بوده است"



تصویر ۱۵- نقش پرنندگان به‌رنگ سیاه در زمینه‌ی نخودی مایل به سیاه، شوش، ۳۵۰۰ ق.م. ماخذ: (رفیعی، ۱۳۷۷، ۱۹۳)



تصویر ۱۶- نقش پرنندگان به‌رنگ سیاه روی زمینه‌ی نخودی مایل به سبز، شوش، ۳۵۰۰-۳۸۰۰ ق.م. ماخذ: (همان، ۱۹۱)



تصویر ۱۷- نقش پرنندگان به‌رنگ سیاه روی زمینه‌ی نخودی مایل به سبز، سلیک، ۳۲۰۰-۳۵۰۰ ق.م. ماخذ: (همان، ۱۹۶)



تصویر ۱۹- نقش کوه و پرنده (نمادهای آب و باران)، تپه گیان نهاوند، هزاره سوم ق.م. ماخذ: (همان، ۲۰۷)



تصویر ۱۸- زنجیره درناهای باران آور و شانه‌های باران، سلیک، اواخر هزاره سوم ق.م. ماخذ: (پرهام، ۱۳۷۱، ۹)



جدول ۳- بررسی نقوش موجود بر روی سفالینه‌های هم‌دوره با سفالینه‌های شوش در ایران.

تعداد تصویر	نوع نقش	محل ساخت (کشف)	زمان ساخت	محل نگهداری
۹	جانوری (بز) هندسی	چشمه علی (ری)	۳۳۰۰-۳۸۰۰ ق.م	موزه ملی ایران
۱۰	جانوری (بز) هندسی	شوش	۳۵۰۰ ق.م	موزه ملی ایران
۱۱	جانوری (بز)	تپه حصار	۳۵۰۰ ق.م	موزه ملی ایران
۱۲	جانوری (بز)	اسماعیل آباد قزوین	هزاره چهارم ق.م	-
۱۳	جانوری (بز) هندسی	تخت جمشید	هزاره چهارم ق.م	-
۱۴	جانوری (بز) هندسی (جلیبا)	شوش	نیمه دوم هزاره چهارم ق.م	-
۱۵	جانوری (پرنده)	شوش	۳۵۰۰ ق.م	-
۱۶	جانوری (پرنده)	شوش	۳۵۰۰-۳۸۰۰ ق.م	-
۱۷	جانوری (پرنده)	سیلک	۳۲۰۰-۳۵۰۰ ق.م	-
۱۸	جانوری (درنا) هندسی (شانه)	سیلک	اواخر هزاره سوم ق.م	-
۱۹	جانوری (پرنده) هندسی (کوه)	تپه گیان نهاوند	هزاره سوم ق.م	-

جام یعنی فرم دایره و مربع نیز صدق می‌کند، چرا که دایره با تمام بی‌کرانگی‌اش نمود و جلوه‌ای از آسمان است که زمین را در بر گرفته و باران پاک را بر او ارزانی می‌دارد. توجه به آسمان از تمایل فطری انسان به موطن اصلی منجر به خلق گنبد در مامن زمینی‌اش بی‌ارتباط با این موضوع نیست. "هیات گنبد می‌توانسته است زاده‌ی تمایل فطری انسان به ماوا گزیدن در داخل محوطه‌ای زهدان مانند بوده باشد؛ خواه گورتپه‌ای که او را به مادر زمین ملحق سازد و خواه گنبد خوابیده‌ی آسمان که چون نمودگار جهانی خوش‌خیم او را در حمایت مادرانه‌ی خود گیرد" (فلدمن، ۱۳۷۸، ۱۷۲).

توانایی هنرمند شوش در نمایش خاصیت رویش سلولی در پس‌فرم‌های تیز مثلث در بدن بز با آثار هنرمندانی چون ژان آرپ و هنری مور قابل مقایسه می‌باشد.

### ب) نظام عقلانی

در سفالینه‌های منقوش شوش نوع تقسیم‌بندی‌ها و انتخاب و جایگزینی عناصر در صفحه بر اساس یک منطق ریاضی استوار است. در بین خطوط و کادربندی‌ها، نقوشی به‌کار رفته که در عین تحرک‌پذیری، تغییر را به‌همراه دارند و پویا به‌نظر می‌رسند و در کل اثر ترکیبی پایا و منطبق با کل ترکیب‌بندی به‌وجود آورده‌اند. به عبارت دیگر هنرمند صنعتگر شوش نقوش سفالینه‌ها را بر اساس عقل و منطق ترکیب نموده است. فلدمن نظام صوری را چون اشتیاقی به دستیابی بر حکومت دنیوی عقل و منطق مد نظر قرار می‌دهد (همان، ۱۳۷۸، ۱۶۴). البته همان‌طور که ذکر شد وجود چنین ترکیب‌بندی‌های پایا و برخوردار از نظام صوری را باید انعکاس نظم حاکم بر جامعه‌ی شوش در ۲۵۰۰ سال ق.م دانست. جامعه‌ای که از جهان‌بینی اساطیری برخوردار است، نوعی نظم و آرامش را برقرار می‌کند

در این بخش نظام‌های گوناگون موجود در سفالینه‌های شوش بررسی می‌گردد:

### الف) نظام صوری

آنچه بر اهمیت نقوش در سفالینه‌های شوش می‌افزاید؛ پیروی این نقوش از یک شیوه و نظام صوری خاص می‌باشد. ضمن این‌که سفالینه‌های شوش بستری مناسب برای بیان درونی‌ترین عواطف و یا آرمان‌ها و اندیشه‌هایی کاملاً منحصر به فرد را برای هنرمند صنعتگر مهیا می‌سازد، اما آنچه این دست‌ساخته‌های بشری را به آثار هنری ارزشمندی مبدل می‌سازد، نحوه‌ی آرایش و استفاده از ترکیب‌بندی‌های استوار و برقراری روابط عقلانی منظم بین عناصر تشکیل‌دهنده‌ی این سفالینه‌هاست.

ویژگی خاص شیوه‌ی نظام صوری بر استفاده از شکل‌های پایا می‌باشد. چرا که اصل و اساس این شیوه بر پایداری و استواری بنا شده و برای خلق یک اثر هنری که منطبق با شیوه‌ی نظام صوری است، باید اندازه‌ها و اشکال درست انتخاب شوند و تناسبات و هماهنگی در بین اجزای اثر برقرار گردد.

در طول تاریخ، هنرمندان عنایت و توجه خاصی به اشکال اندامی موجودات زنده داشته‌اند. قسمتی از نقوش به‌کار رفته در جام شوش نیز برگرفته از عناصر موجود در طبیعت هستند که خاصیت زایش و رویش از مهم‌ترین ویژگی‌های آنهاست. هنرمند شوش کمال صوری را در گزینش و به‌تصویر کشیدن شکل‌های حیاتی و روینده به‌نمایش درآورده و موجوداتی را انتخاب کرده که نقش به‌سزایی در چرخه‌ی حیات دارند. در جام شوش شکل‌های اندام‌وار در قالب هندسی و در کمال ریاضی‌گونه‌ی تجسم یافته‌اند و شکل‌های ساده، ساختاری شکوهمند که القاگر نیروهای فعال زایش و رویش هستند را به منحصه‌ی ظهور می‌رسانند. این انتخاب حتی در هندسی‌ترین فرم‌های موجود در

که در هنر دوران نیز تاثیر آن را می توان مشاهده نمود. نقوش جام شوش سایه‌ای از زیبایی حقیقی است نه تقلیدی از ظواهر طبیعت. هنرمند شوش به این مساله آگاه بوده است که ریاضیات و هندسه را باید به عنوان مقدمه‌ای برای دستیابی به اندازه‌ها، تناسبات و هماهنگی میان آنها بشناسد.

کل نقوشی که در جام شوش به کار رفته‌اند، از یک نظام عقلانی پیروی می‌کنند. به عبارت دیگر هنرمند نقوش را بر اساس شیوه‌ها و فعل و انفعالات عقلانی در سطح جام، ترکیب نموده است. تقسیم‌بندی سطح جام و چیدمان دقیق فرم‌ها بر اساس شکل ظرف و روابط بین سواد و بیاض در کل جام نمی‌تواند به صورت تصادفی و احساسی و تخیلی شکل گرفته باشد. بنابراین نظامی را که به تجربه‌ی بصری درآمده است باید در عقل و منطق هنرمند آن جستجو نمود. هنرمند صنعتگر شوش با گزینش شکل‌های هندسی همچون مثلث و دایره و مربع آن‌چه را که در ذهن دارد به نمایش درمی‌آورد اما نحوه‌ی ترکیب آن‌ها و سازماندهی عناصر در روی ظرف شیوه‌ای خاص را بنیان می‌نهد.

### ج) نظام زیبایی‌شناختی

جام شوش دارای اعتباری ذاتی است چرا که اصولاً هنر، معنای درون‌ذاتی دارد. اما هنرمند شوش نیز با به‌کارگیری ذوق و

قریحه‌ی خویش انواع پیام بصری را به نحوی سازماندهی کرده است که در نهایت زیبایی، لذت بخشی در کل اثر موج می‌زند. شکل، فرم، تناسبات و اندازه‌ها در کل اثر به بهترین حالت سامان یافته‌اند. تصویرگر نقوش سفال قصد ندارد آسمان، زمین و حیوانات واقعی را به نمایش درآورد. "نظام زیبایی‌شناختی کمتر تابع تقلید عینی از واقعیت است، بلکه بستگی مستقیم با احساس لذت یا درک خوشی دارد" (همان). او همچون هنرمندان بزرگ و حرفه‌ای لذت حاصل از فرم و شکل و خط را به مخاطب انتقال می‌دهد و با تاکید بر بازی فرم، تناسبات و حتی روابط فضای مثبت و منفی، نوعی لذت و حظ بصری در بیننده ایجاد می‌کند.

انتخاب صحیح فرم مطابق با اندام حیوانات از دیگر خصوصیات است که زیبایی خاصی به آبخوری‌ها بخشیده است. فرم مثلث برای نمایش صلابت و قدرت در بز و استفاده از خطوط باریک و موازی برای بیان تجمع پرندگان در زیر دهانه‌ی جام شوش که خبر از آب‌گوارا و نوشیدن آن می‌دهد، همچنین فرم منحنی که در بدن حیواناتی شبیه روباه هست و در جایی آن‌ها را سگ‌های قلاده به‌گردن دانسته‌اند؛ خیزش و حرکت خاصی را به سمت پرندگان به مخاطب القا کرده و اصل تنازع بقا را گوشزد می‌کند.

## نتیجه

سفالینه‌ی هند هم نقش حیوانی بدون توجه به فرم ظرف به کار رفته است در حالی که در آبخوری‌های شوش، نقوش در کتیبه‌هایی قرار گرفته و به کامل‌ترین نوع خود نظم یافته‌اند. به طوری که در جام شوش سه کتیبه متناسب با نقش‌ها در نظر گرفته شده و نقش بز در اصلی‌ترین قسمت به کار رفته در حالی که ارتباط منطقی اجزا چه از نظر ریاضی و هندسه و چه از نظر بصری رعایت شده و با ایجاد تعادل، هیات سفالینه منسجم و ایستا گردیده است. ضمن اینکه نقوش، متناسب با کارکرد ظرف که جام نوشیدنی‌هاست نیز می‌باشند.

همزمان با بررسی نقوش موجود بر آبخوری‌های شوش که شامل: نقوش هندسی، گیاهی و حیوانی می‌شوند؛ نقش بز - که اصلی‌ترین نقش جام شوش است - نیز به‌طور تطبیقی در سفالینه‌های سایر مناطق ایران که هم‌عصر با شوش بودند، مورد مطالعه قرار گرفت. با وجود عناصر و ویژگی‌های مشترک که معرف هنر ایران هستند، هر قوم و قبیله‌ای متناسب با نیازها و فرهنگ‌های خاص خود بیان ویژه‌ای برمی‌گزیند؛ با این وجود مشاهده شد که در هیچ منطقه‌ای از ایران نقش حیوانات با چنان مهارتی که در شوش دیده می‌شود، ترسیم نشده است.

انسان از دیرباز احساس قربت و نزدیکی با خاک داشت و پس از پی‌بردن به خاصیت همراهی خاک، آب و آتش به کشف سفال نایل شد. سفال ابتدا فقط کاربرد عملی داشت که در طی زمان کاربری تزئینی نیز به آن افزوده شد که در این تحول، ایرانیان نقش عمده و بسزایی داشتند و در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد، سفالینه‌هایی در تمدن شوش ساخته شد که تلفیق این دو کاربرد بوده و تمدن شوش را شهره‌ی آفاق کرده است. این مقاله در پی یافتن علل شهرت این جام بوده و به این نتایج دست پیدا کرده است:

■ از بررسی اندازه‌ها و به دست آوردن تناسبات موجود میان اجزای آبخوری‌های شوش، اعدادی بین  $1/7$  تا  $1/9$  به دست آمد که بسیار به عدد طلایی یعنی  $1/6$  نزدیک است و نشان می‌دهد در جایی که جهانیان بیش از دو هزار سال است که جستارهایی در جهت برقرار ساختن قوانین تناسب کامل به عمل آورده‌اند تا به نسبت طلایی دست یابند، هنرمند شوش نسبت‌های نزدیک به آن را در آثار خود، عملاً به کار گرفته است.

■ از بررسی تطبیقی جام شوش با آثار سفالی تمدن‌های هم‌دوره‌ی آن مانند مصر و هند، این نکته هویدا شد که در یک مورد برای تقسیم‌بندی نقش زمینه، کتیبه در نظر گرفته شده و در اثر دیگری نقوش حیوانی و هندسی با هم به کار رفته‌اند و در

پرنندگان در آسمان دیده شود. کشیدن نقش دسته‌های پرنده، تجسم ابر است و آرزوی باران را در سرزمین خشک شوش بیان می‌کند. ارتباط پرنده با آب هم بیان رمزآمیز آسمان و ارزانی داشتن برکت است و این چرخه همچنان ادامه می‌یابد تا ارتباط تنگاتنگ و زیبای نقوش با یکدیگر را بیان کند و متذکر شود که این جام، علاوه بر اینکه جام نوشیدنی هاست، می‌تواند طلسم باران خواهی و نمادی از برکت خواستن هم باشد.

■ نقوش به‌کار رفته در جام شوش علاوه بر زیبایی ظاهری، نمادین نیز هستند و با یکدیگر مرتبطند. مربع و دایره مبین همراهی زمین و آسمان برای رویش و زایش‌اند تا برکت نصیب انسان شود. همان چیزی که همراه با قداست، از خوشه‌ی گندم که نماد رویدنی هاست، انتظار می‌رود. انسان عهد باستان اهل شوش، حرکت سیارات را که نقش به‌سزایی در نزول باران دارند از طریق حرکت حیواناتی همچون تازی به‌نمایش در می‌آورد. شاخ بز هم که مانند هلال ماه است، واسطه‌ای برای بارش باران از آسمان به زمین می‌شود. زیرا بارش باران در فصلی رخ می‌دهد که صورت فلکی بز و

## فهرست منابع

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۸)، مبانی نظری هنرهای تجسمی، انتشارات سمت، تهران.
- اتینگهاوزن، ریچارد و احسان یار شاطر (۱۳۷۹)، اوج‌های درخشان هنر ایران، انتشارات آگاه، تهران.
- برزین، پروین (۱۳۵۶)، مفاهیم نقوش بر سفال دوران پیش از تاریخ، نشریه‌ی هنر و مردم، دوره ۱۶، ش ۱۸۴ و ۱۸۵.
- بلخاری، حسن (۱۳۸۳)، نسبت عناصر اربعه با مربع و تأثیرات آن در هنر و معماری، هم‌اندیشی هنر و عناصر طبیعت، فرهنگستان هنر، تهران.
- پرهام، سیروس (۱۳۷۱)، دستبافته‌های عشایری و روستایی فارس، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- پرادا، ایدت (۱۳۸۲)، هنر ایران باستان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- پوپ، آرتور اپهام، با همکاری فیلیپس آکرمن و اریک شرودر (۱۳۸۰)، شاهکارهای هنر ایران، اقتباس و نگارش: پرویز ناتل خانلری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۷۴)، نقش و نماد در سفالینه‌های کهن ایران، فصل‌نامه هنر، ش ۲۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۳۶۴-۳۶۵.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۸۵)، آشنایی با هنر در تاریخ ۲، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، تهران.
- رحیمی رهبین، محمدعلی (۱۳۸۲)، ریشه‌های نمایش در هنر ایران باستان، نشر اهورا، تهران.
- رفیعی، لیلیا (۱۳۷۸)، سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، انتشارات یساولی، تهران.
- شاکری راد، حسین (۱۳۸۲)، طبیعت سرمشق گم شده هنرمندان، هم‌اندیشی هنر و عناصر طبیعت، فرهنگستان هنر.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۴)، صورالکواکب، به کوشش بهروز مشیری، انتشارات ققنوس، تهران.
- فلدمن، ادموند بورک (۱۳۷۸)، تنوع تجارب تجسمی، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات سروش، تهران.
- فریه، ردلیو (۱۳۷۴)، درباره هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، نشر فرزانه روز، تهران.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۸۰)، آثار تاریخی ایران، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- کوپر، جی‌سی (۱۳۷۹)، فرهنگ مصورنمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، نشر فرهاد، تهران.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۲)، فرهنگ‌های هنری ایران، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۰)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۷)، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، انتشارات خوارزمی، تهران.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۸)، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، انتشارات جامی، تهران.

Pottier, Edmond (2004), a corpus of ancient vases, presses universitaires de France.